



Paper Type: Original Article



Designing the Behavioral Model of Stakeholders in the Corporate Governance of Iran's Social Security Organization and Its Affiliated Companies

Sepahdar Ansarinik¹, Seyed Jamaledin Tabibi^{2,*}

¹ Department of Public Management, Organizational Behavior Orientation, School of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; ansarinik@gmail.com.

² Faculty of Medical Sciences and Technologies, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; sjtabibi@yahoo.com.

Citation:



Ansarinik, S., & Tabibi, S. J. (2024). Designing the behavioral model of stakeholders in the corporate governance of Iran's social security organization and its affiliated companies. *Journal of decisions and operations research*, 9(2), 470-484.

Received: 13/01/2024

Reviewed: 16/02/2024

Revised: 09/04/2024

Accepted: 01/05/2024

Abstract

Purpose: This research aimed to identify the behavioral Models of stakeholder groups in corporate governance within Iran's Social Security Organization and its affiliated companies. In other words, it explored corporate governance from a behavioral perspective.

Methodology: To conduct the research, a theoretical behavioral model was developed based on a review of the literature. This model identified six common behavioral indicators among stakeholders. Subsequently, a questionnaire with 36 questions was designed and distributed to experts in the field of corporate governance. A total of 207 responses were received, and the instrument's reliability was confirmed with a Cronbach's alpha of 0.933. Furthermore, exploratory factor analysis using the principal component method was employed to explain the factors of the model, which represented a classification of stakeholder groups. To validate these findings, confirmatory factor analysis was used to evaluate the proposed theoretical model.

Findings: The results yielded a CMIN value of 2.694, which is below the critical value of 3. The root mean square error of approximation (RMSEA) was 0.097, falling within the acceptable range of 0.05 to 0.1. The Akaike Information Criterion (AIC) was 1812, closer to the saturated model index (1404) compared to the independent model (5660), indicating a good fit of the model.

Originality/Value: Overall, six stakeholder groups were identified in the corporate governance of companies affiliated with the Social Security Organization: institutional stakeholders, government, political stakeholders, social networks, economic stakeholders, and shareholders. Additionally, six common behavioral indicators were identified among stakeholder groups: conflict resolution, building trust in the board of directors, political bargaining, power-politics relationships, goal setting, and decision-making processes. To assess the impact of each behavioral indicator, a parametric t-test and mean comparisons were used. The results showed that institutional stakeholders, the government, and political stakeholders had a significant and greater impact on governance in the Social Security Organization compared to others. Moreover, government interventions in goal setting, political bargaining, building trust in the board of directors, and conflict resolution had a significant and above-average impact on the governance of the studied companies. On the other hand, political groups had a significant and above-average impact on the corporate governance of companies affiliated with the Social Security Organization in terms of decision-making processes, goal setting, and power-politics relationships. The evaluation of behavioral indicators among stakeholder groups revealed that the shared focus of these groups was primarily on three indicators: goal setting, decision-making, and power-politics relationships.

Keywords: Exploratory factor analysis, Confirmatory factor analysis, Corporate governance, Shareholders, Stakeholders, Government, Social security organization, Behavioral approach, Stakeholder behavioral model.



Corresponding Author: sjtabibi@yahoo.com

<https://doi.org/10.22105/dmor.2024.470297.1861>

Licensee. *Journal of Decisions and Operations Research*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).



طراحی الگوی رفتاری گروه‌های ذینفع در حاکمیت شرکتی در سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته

سپهدار انصاری نیک^۱، سید جمال‌الدین طیبی^{۲*}

^۱ گروه مدیریت دولتی گرایش رفتار سازمانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
^۲ دانشکده علوم و فناوری‌های پزشکی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: این پژوهش به دنبال یافتن چگونگی الگوی رفتاری گروه‌های ذینفع در حکمرانی شرکتی در سازمان تامین اجتماعی ایران و شرکت‌های وابسته بوده است، به بیان دیگر به حاکمیت شرکتی از دیدگاه رفتاری پرداخته شد.

روش‌شناسی پژوهش: برای انجام کار در آغاز به کمک پیشینه نظری موضوع به یک الگوی نظری رفتاری دست یافتیم که شش شاخص رفتاری مشترک میان ذینفعان شناسایی شد. سپس پرسشنامه‌ای متناسب با ساختار الگوی نظری با تعداد ۳۶ پرسش طراحی و بین خبرگان در حوزه حاکمیت شرکتی توزیع گردید. تعداد ۲۰۷ پاسخ دریافت شد که نهایتاً ابزار پژوهش با آلفای کرونباخ ۰/۹۳۳/ روایی آن احراز گردید. همچنین با بهره‌گیری از تحلیل عاملی اکتشافی به روش مولفه‌های اصلی، تبیینی از عوامل الگو که یک تقسیم‌بندی از گروه‌های ذینفع بود، حاصل گردید. به منظور اعتبارسنجی این یافته‌ها، به روش تحلیل عاملی تاییدی الگوی پیشنهادی نظری ارزیابی گردید.

یافته‌ها: نتایج حاصله، در معیارهای *CMIN* که برابر ۲/۶۹۴ به دست آمد که زیر مقدار معیار ۳ می‌باشد. همچنین شاخص *RMSEA*^۱ ریشه میانگین مربعات خطای تقریبی به مقدار ۰/۰۹۷ به دست آمد که در محدوده ۰/۱ تا ۰/۰۵ قابل قبول است. برای شاخص اندازه‌گیری کیفیت مدل آماری (*AIC*) به میزان ۱۸۱۲ به دست آمد که به مقدار شاخص مدل اشباع (۱۴۰۴) در مقایسه با الگوی غیروابسته به میزان ۵۶۶۰ نزدیکتر است و حاکی از نیکویی برازش الگو است.

اصالت/ارزش افزوده علمی: به‌طورکلی شش گروه ذینفع حاکمیت شرکتی در شرکت‌های وابسته به سازمان تامین اجتماعی شناسایی شد که عبارتند از ۱- ذینفعان نهادی، ۲- دولت، ۳- ذینفعان سیاسی، ۴- شبکه اجتماعی، ۵- ذینفعان اقتصادی و ۶- سهامداران. همچنین، تعداد ۶ شاخص رفتاری مشترک میان گروه‌های ذینفع نیز شناسایی شد که عبارت بودند از ۱- حل تعارض، ۲- اعتمادسازی در هیات‌مدیره، ۳- چانه‌زنی سیاسی، ۴- روابط قدرت-سیاست، ۵- تعیین هدف‌ها و ۶- فرآیند تصمیم‌گیری. برای میزان تاثیرگذاری هر یک از شاخص‌های رفتاری ذینفعان در مورد تحت مطالعه از آزمون پارامتری تی استودنت و مقایسات میانگین استفاده شد. نتایج این ارزیابی نشان داد که ذینفعان نهادی، دولت و ذینفعان سیاسی دارای تاثیرگذاری قابل توجه و بیشتر نسبت به سایرین بر روی حکمرانی در سازمان تامین اجتماعی می‌باشند. همچنین مداخلات دولت در شاخص‌های تعیین هدف، چانه‌زنی سیاسی، اعتمادسازی در هیات‌مدیره و حل تعارض، تاثیرگذاری معنادار و بالاتر از حد متوسطی بر حکمرانی شرکت‌های مورد مطالعه داشته است. از طرفی گروه‌های سیاسی در حوزه‌های فرآیند تصمیم‌گیری، تعیین هدف و روابط قدرت-سیاست تاثیرگذاری معنادار و بالاتر از حد متوسطی بر حکمرانی شرکتی در شرکت‌های وابسته به سازمان تامین اجتماعی داشته‌اند. نتیجه ارزیابی شاخص‌های رفتاری در بین گروه‌های ذینفع نشان داد که سطح توجه مشترک این گروه‌ها بیشتر معطوف به ۳ شاخص هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری و روابط قدرت-سیاست است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تاییدی، حکمرانی شرکتی، سهامداران، ذینفعان، دولت، سازمان تامین اجتماعی، رویکرد رفتاری، الگوی رفتاری ذینفعان.

۱- مقدمه

در بسیاری از سازمان‌های تجاری و به‌خصوص در بخش خصوصی، اثربخشی سازمان‌های مدرن به‌شدت بر روی اینکه چه کسی حاکمیت می‌کند، متکی است. درحالی‌که در سازمان‌های دولتی، تنها مدیران تصمیم‌گیرنده نهایی نیستند؛ بنابراین، اثربخشی و کارآمدی نهایی سازمان را نمی‌توان

¹ Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

صرفاً به نحوه مدیریت یک شخص نسبت داد [1]. در عمل، ترجیحات نسبت به استراتژی در بین افراد و مدیران مختلف، متفاوت است، اما عموماً منافع تمامی ذینفعان در تصمیم‌گیری‌ها دیده نمی‌شود و این منجر به شکست در حاکمیت شرکتی یک سازمان در حوزه تامین منافع عمومی می‌شود [2]. به‌عنوان یک راه‌حل برای خروج از این دوگانگی، شناخت الگوی رفتاری گروه‌های ذینفع در حاکمیت شرکتی سازمان‌ها، به‌خصوص سازمان‌های دولتی و بزرگ که تحت تاثیر سیاست‌های کلان کشور نیز هستند، مورد توجه است. شناسایی الگوی رفتاری ذینفعان در حاکمیت شرکتی می‌تواند راه‌های موثری را برای نحوه تعامل گروه‌های ذینفع در درون و بیرون سازمان نمایان سازد. با واگذاری شرکت‌های بزرگ تولیدی، موسسات مالی و سرمایه‌گذاری حجم اقتصاد بخش عمومی (غیر دولتی) و خصوصی در ایران افزایش قابل توجهی یافت که باعث اثرگذاری شگرف این سازمان‌ها بر جامعه و گستردگی گروه‌های ذینفع این شرکت‌ها گردید و این در حالی است که سازوکارهای راهبردی و کنترل این بنگاه‌ها به‌طور متناسب توسعه نیافت. طی دو دهه اخیر شاهد زیان‌دهی تعداد زیادی از شرکت‌ها، بانک‌ها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و بازنشستگی و همچنین گزارش‌هایی از فساد و رانت اقتصادی در سطح مدیریت کلان بنگاه‌ها در رسانه‌های جمعی علی‌الخصوص خبرگزاری جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۰ پخش شد. این موارد حاکی از نقص در نظام حاکمیت شرکتی است که شناخت الگوهای رفتاری ذینفعان اثرگذار می‌تواند به کاهش و رفع این نقص کمک نماید. سازمان تامین اجتماعی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های عمومی و با تاثیرپذیری بالا از دولت نقشی برجسته در تامین منافع گروه گسترده‌ای از ذینفعان جامعه را دارد که بخشی که سهامداران اصلی هستند و خدمات اجتماعی و تامینی از این سازمان را بطور مستقیم دریافت می‌کنند. این پژوهش در جامعه آماری خود شرکت‌های وابسته به این سازمان تامین اجتماعی را هم در برمی‌گیرد.

توجه و تمرکز این مطالعه به موضوع رویکرد رفتاری در راهبردی و کنترل شرکتی یا حاکمیت شرکتی^۱ تحت تاثیر گروه‌های ذینفع است تا با مطالعه و کنکاش در دانش و تجربیات دیگران به طراحی یک الگوی رفتاری گروه‌های ذینفع در اعمال حاکمیت شرکتی سازمان‌های دولتی و بخش عمومی در ایران باشیم. در ادامه مقاله، به‌مرور مفاهیم و ادبیات نظری و تجربی نقش گروه‌های ذینفع در حاکمیت شرکتی پرداخته شده و ضمن مرور روش‌شناختی تحقیق، ابعاد و مولفه‌های شناسایی شده برای تنظیم الگوی پژوهش ارائه می‌شوند. همچنین اعتبارسنجی الگوی نظری، از طریق تحلیل عاملی تاییدی و بر پایه پاسخ‌های متخصصین و مدیران ارشد و میانی سازمان و شرکت‌های وابسته به پرسشنامه انجام گردید. در پایان نیز، پیشنهادهایی به‌منظور بهبود الگوی حاکمیت شرکتی در شرکت‌های وابسته به سازمان تامین اجتماعی ارائه گردید.

۲- ادبیات نظری و پیشینه تجربی

در مسایل حاکمیت شرکتی، گروه‌های ذینفع معمولاً به‌طور جداگانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند. هریک از گروه‌های ذینفع برای تضمین و تامین منافع خود تلاش می‌کنند و از طریق کانال‌های رسمی و غیررسمی بر فرآیند سیاست‌گذاری در سازمان فشار می‌آورند. این رفتار، گروه‌های ذینفع را اساساً از ساختار مدیریتی و تصمیم‌گیرنده اصلی متمایز می‌کند [3]. در عین حال، پایگاه‌های متمایز ذینفعان برای بقای سازمانی و پیاده‌سازی سیاست‌های مطلوب سازمانی، آن‌ها را به ارکان جذابی درون هیات‌مدیره و ساختار حاکمیت شرکتی سازمان‌ها تبدیل می‌کند. مهم‌تر از همه، گروه‌های ذینفع در مواردی در جایگاه حمایت از سازمان هستند و در ازای آن منابع لازم (مادی یا غیرمادی) برای پیشبرد اهداف سازمان را تامین می‌نمایند [4].

مطالعه الگوهای رفتاری گروه‌های ذینفع، مستلزم بررسی عمیق در دو زیرشاخه نظری و تجربی مباحث مرتبط با منافع فردی و گروهی برای تامین منافع ذینفعان است. علی‌رغم چالش‌های پژوهشی موجود در این حوزه، اخیراً موج مهم و در عین حال نسبتاً کوچکی از مطالعات، جنبه‌های متفاوتی از روابط بین حاکمیت و گروه‌های ذینفع را بررسی کرده‌اند. برای شروع، محققان روابط ساختاری و سازمانی بین ذینفعان را بررسی کرده‌اند و تحلیل کرده‌اند که چگونه عوامل در سطح سیستم و مجری، بر استحکام و دوام پیوند بین گروه‌های ذینفع حاکمیت شرکتی تاثیر می‌گذارد [5]. تعدادی از مطالعات دیگر، محرک‌های مشترک خاص برای تاثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی ذینفعان را در حاکمیت شرکتی ارزیابی کرده‌اند. این مطالعات عمدتاً منجر به چیزی شده است که اکنون آن را مدل استاندارد تماس گروهی حزب-منافع^۲ می‌نامند که شامل قدرت و نزدیکی ایدئولوژیک، راهبردی و سیستمی به‌عنوان عوامل اصلی توضیحی برای تبیین اهمیت گروه‌های ذینفع در ساختار حاکمیت شرکتی است [3]، [10]–[6].

شاید بتوان یکی از مهم‌ترین تئوری‌های حاکم در این زمینه را نظریه نمایندگی دانست. این نظریه، به تعارض منافع میان ذینفعان اصلی و مدیران یک سازمان اشاره دارد که تبیین کننده اهمیت منافع تمامی گروه‌های ذینفع در ساختار حاکمیت شرکتی است. طبق این تئوری، جدایی مالکیت و مدیریت

¹ Corporate governance

² Party-interest group contact

یک سازمان را می‌توان از مهم‌ترین علل تعارض منافع بین گروه‌های ذینفع به شمار آورد [11]. به همین سبب، نقش کلیدی گروه‌های ذینفع در تصمیم‌گیری‌های بزرگ در سازمان‌ها در کانون توجه قرار گرفته است تا از این طریق، بتوان هزینه‌های نمایندگی ناشی از جدایی مالکیت و مدیریت را کاهش داد. از نظر حساس یگانه و کاشانیان [12] در دیدگاه ذینفعان، افزایش قدرت مدیران اجرایی، اهداف حاکمیت شرکتی را تضعیف می‌کند، چون مدیران و کارکنان که خود را از ذینفعان می‌دانند باید منافع خودشان را دنبال کنند و این باعث تعارض منافع با سهامداران می‌شود. نظریه ذینفعان با دیدگاه سیستم‌های باز و همه‌جانبه به شرکت و سازمان، شیوه‌های حاکمیت شرکتی را متأثر از بازیگران گوناگون مرتبط با شرکت می‌داند و توجه به اثربخشی اهداف ذینفعان نهادی گوناگون دارد تا آنکه صرفاً در پی کارایی عملکرد شرکت به نفع سهامداران محدود باشد. در این نظریه، ذینفعان یک شرکت ممکن است بسیار بیشتر و گسترده‌تر از سهامداران محدود و خاص آن شرکت باشند. از نظر فریمن و همکاران [13] بخش‌هایی از جامعه که شرکت با آن‌ها در ارتباط است شامل کارگران و کارکنان، تامین‌کنندگان مواد خام، جوامع محلی، رقبا و مشتریان شامل ذینفعان هستند. همچنین از دیدگاهی دیگر ذینفعان شامل کارکنان، مشتریان، وام‌دهندگان، تامین‌کنندگان، رقبا، سهامداران، سرمایه‌گذاران، بانک‌ها، دولت و جامعه می‌باشد [14].

اینکه چگونه این گروه‌های ذینفع بر تعیین هدف‌ها و فرآیندهای تصمیم‌گیری مدیران تاثیر می‌گذارند و چگونه روابط خود در حوزه قدرت در سازمان را تنظیم و به حل تعارضات درون گروهی می‌پردازند، یک حوزه تحقیقاتی چندجانبه در مطالعات سازمان است. گروه‌های ذینفع آنچه را که مناسب‌ترین راهبرد برای دستیابی به اهداف سیاستی مطلوب می‌دانند، دنبال می‌کنند. همیشه یک گروه ذینفع انتخاب می‌کند که به تهبایی عمل کند و استراتژی متناسب با نیازهای خود را اتخاذ کند و یا گاهی اوقات هم این گروه تصمیم به ایجاد یا شرکت در ائتلافی با همتایان خود می‌کند و در نتیجه استراتژی مشترکی را اتخاذ می‌کند. از آنجا که هیچ‌یک از این دو استراتژی متقابل نیستند؛ بنابراین، گروه ذینفع می‌تواند اقدامات فردی و ائتلافی خود را با یکدیگر ترکیب کند [15]. گروه‌های ذینفع در سازمان‌های بزرگ به‌طور منظم با هم تعامل دارند. آن‌ها با هدف تبادل اطلاعات با یکدیگر در تعامل بوده و هنگامی که با یکدیگر همکاری می‌کنند، تعامل آن‌ها هدف خاصی دارد، یعنی پیگیری اهداف مشترک گروه را دنبال می‌کنند؛ بنابراین، ذینفعان از طریق ایجاد ائتلاف‌ها یا پیوستن به ائتلاف‌های دیگر منافع مشترکی را در قالب اهداف دنبال می‌کنند [16]. تصور پژوهشگران است که دولت و ذینفعان سیاسی نقش نابرابر و قدرتمندی در حاکمیت شرکتی سازمان تامین اجتماعی نسبت به سهامداران دارند و در راستای بهبود حاکمیت شرکتی سازوکار افزایش نقش سهامداران در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تعیین هدف‌ها باید مهیا گردد.

۱-۲- الگوهای رایج حاکمیت شرکتی

مهاجرانی و همکاران [17] طی پژوهش خود در موضوع حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی ایران بر مبنای نظریه نهادی، الگوهای رایج حاکمیت را دو نوع دانسته‌اند که شامل الگوی انگلیسی-آمریکایی (آنگلوساکسون) و الگوی قاره‌ای (کانتیننتال) می‌باشند. ایزابیری [18] طی یک مطالعه تطبیقی با ضروری دانستن نظام حکمرانی شرکتی اثربخش در جهان مدرن، مسیر اثربخشی را تقسیم نقش‌ها، مسئولیت‌ها و تخصیص منابع از طریق درگیری بیشتر ذینفعان در فرآیند تصمیم‌گیری به‌عنوان یک پارامتر کلیدی دانسته است. او ضمن برشمردن چهار الگوی رایج یعنی آنگلوساکسون، قاره‌ای، چینی و اسلامی الگوی انگلیسی-آمریکایی را به دلیل بزرگی اقتصاد آمریکا و انگلستان نظریه رایج‌تر و نظریه حکمرانی شرکتی اروپایی را اثربخش‌تر می‌داند. سیافت و حمودی [19] در یک مطالعه، نظریه‌های رایج حاکمیت شرکتی را سه نوع می‌دانند که شامل نظریه آمریکایی-انگلیسی، نظریه آلمانی و نظریه ژاپنی است.

نظریه آمریکایی دارای خصوصیت تسلط فردی مستقل و سهامداران شخصی است و با شرکت دارای تعاملات کاری نیستند و به آن‌ها بیرونی‌ها گفته می‌شود و پخش بودن سرمایه‌های اجتماعی در دست عده‌ی زیادی از سهامداران که فقط به دنبال یک سود بوده و درگیر شرکت نیستند. نظریه آلمانی یک تکامل زمانی از نظریه آمریکایی بوده است، با این تفاوت که بخش اصلی سهامداران با شرکت دارای ارتباط تجاری از طریق نفوذ و تسلط در مدیریت و کنترل شرکت بوده و به آن‌ها داخلی‌ها گفته می‌شود. نظریه ژاپنی یا حاکمیت با مداخله شبیه نظریه آلمانی بوده و سرمایه‌گذاران بیشتر از طریق بانک‌ها بصورت نهاد مالی نمایندگی می‌شوند و از این طریق در مدیریت و کنترل شرکت درگیر هستند. در مطالعه کستیل و نیلی [20] با عنوان

¹ Outsiders

"نگاهی نو به حاکمیت شرکتی"، الگوی انگلیسی-آمریکایی مبتنی بر بازار و با نگاه ارزش سهامداران شناخته شده است، درحالی که الگوی اروپایی مبتنی بر روابط، با تمرکز بر حداکثرسازی سود گروهی بزرگتر بنام ذینفعان قلمداد می‌شود.

۲-۲- رویکردهای حاکمیت شرکتی

گروهی از مطالعات با رویکرد سیاسی به مساله حاکمیت شرکتی پرداخته اند. به‌عنوان مثال، رهنورد و همکاران [21] با بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چنین نتیجه می‌گیرند که اگرچه حضور دولت در اقتصاد را نمی‌توان نادیده گرفت، اما آنچه در وضعیت اقتصادی و افزایش شفافیت نقش تعیین کننده دارد، میزان و حجم مداخلات دولت در اقتصاد و حاکمیت شرکت‌هاست. تارکوم [22] طی پژوهش طولی برای ۲۷ اقتصاد پیشرفته و بیست اقتصاد نوظهور بر اساس نظریه فاسیو [23]، نشان می‌دهد که در بازارهای توسعه یافته، محیط (بسته) سیاسی مشوق ریسک‌پذیری بیشتر شرکتی است، درحالی که در بازارهای نوظهور این ارتباطات سیاسی^۱ است که ریسک‌پذیری شرکت را تقویت می‌کند. آگولرا و همکاران [24] نیز طی پژوهشی به دنبال بررسی روابط و وابستگی‌های درونی شرکت با محیط متنوع بیرونی آن و تاثیر آن بر اثربخشی حاکمیت شرکتی بوده اند.

آن‌ها نگاه به الگوی حاکمیت شرکتی از دیدگاه نظریه نمایندگی را دیدگاه متناسب با سیستم بسته به سازمان دانسته و چنین بیان می‌دارند که باید وابستگی‌های درون سازمان با محیط را بخصوص روابط را بر اساس هزینه‌ها، اقتضانات و ممکنات در تجربیات متفاوت حاکمیت شرکتی در چارچوب یک سیستم بازنگاه کرد. این دیدگاه به نظریه ذینفعان نزدیک است که اثربخشی شیوه‌های حاکمیت را فراتر از بازیگران مرتبط با شرکت می‌داند، چرا که برخلاف نظریه نمایندگی که به دنبال کارایی است، نظریه ذینفعان با توجه به فراگیری اهداف شرکت و نگاه زمینه‌ای به محیط سازمان به دنبال اثربخشی است. از دیدگاه نظریه ذینفعان، به کسب و کار میتوان به‌عنوان روابط بین افراد و گروه‌هایی نگاه کرد که نفعی در فعالیت‌های آن کسب‌وکار دارند که باعث تداوم و بقای آن می‌شود [25]. از دیدگاه این نظریه، ذینفع هر گروه یا شخصی است که بر تحقق اهداف شرکت اثرگذار بوده یا از آن اثرپذیر باشد [13]، [26]-[24]. در چارچوب نظریه ذینفعان، حاکمیت شرکتی به سازوکاری رفتاری و نهادی اشاره دارد که روابط موجود بین مدیران شرکت و سایر طرف‌های درگیر را تنظیم کرده و آینده و بقای شرکت را کنترل و مدیریت می‌کند [12].

برخی مطالعات نیز، مساله حاکمیت شرکتی را از دیدگاه عملکرد مالی مورد بررسی قرار داده‌اند که طیف وسیع و عمده مطالعات این حوزه را تشکیل می‌دهند. به‌عنوان مثال، ناسیتی و همکاران [29] طی مطالعه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که ویژگی‌های شرکت شامل اندازه شرکت، تاریخچه و عمر شرکت، قدرت نفوذ، کیفیت حسابرسی و کنترل داخلی و ساختار دارایی از جمله عوامل تعیین کننده ضروری برای عملکرد و موفقیت مالی شرکت هستند، مشروط بر این که بتوان آن‌ها را با ویژگی‌های محیط انطباق داد.

نتایج مطالعه کایر و آسلوز [30] با کمک نظریه مفهومی برخاسته از نظریه نمایندگی و نظریه جانشینی، حاکی از روابطی مثبت، منفی و در مواردی بدون رابطه بین حکمرانی شرکتی و عملکرد مالی بنگاه‌ها بوده است. لیمانتارا و همکاران [31] نشان دادند که مالکیت مستقل، مالکیت دولت و اندازه هیات‌مدیره رابطه مثبتی با عملکرد شرکت دارند. درحالی که مالکیت نهادی و اندازه شرکت دارای رابطه منفی با عملکرد شرکت می‌باشند. سیدعلی پور قرآنی [32] با بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر توزیع سود سهام به این نتیجه رسیده که مالکیت نهادی، استقلال هیات‌مدیره و نقش دوگانه مدیرعامل به‌عنوان ابعادی از حاکمیت شرکتی تاثیر مثبت و معناداری بر تقسیم سود سهام دارند ولی اندازه هیات‌مدیره رابطه معکوس دارد. شمسائی و امین پناه [33] نیز نشان داده‌اند که مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و استقلال هیات‌مدیره بر عملکرد شرکت تاثیر مثبت و معناداری دارند، در حالی که تمرکز مالکیت و اندازه هیات‌مدیره بر عملکرد شرکت تاثیر معناداری ندارد.

۲-۳- نظریه رفتاری شرکت

بخشی از ادبیات پژوهش مربوط به حکمرانی شرکتی مبتنی بر رویکرد یا نظریه رفتاری شرکت^۲ است. نظریه رفتاری شرکت طی ۵۰ سال گذشته بخشی از تفکر اقتصادی را بر اساس ماهیت و عملکرد شرکت شکل داده است. درنظریه رفتاری شرکت، شرکت به مثابه یک واحد تولیدی هدفدار،

¹ Political connection

² Behavior theory of the firm

ویک ائتلاف غالب (در هیات‌مدیره) است که منافع مختلف ذینفعان خود را در آن اهداف هماهنگ می‌کنند [18]. تاریخچه دیدگاه رفتاری شرکت به مطالعات هربرت سایمون [34] و سی یرت و مارچ [35] در مدرسه اقتصادی کارنگی بر می‌گردد. تمرکز این مطالعات بر آن بود که سازمان‌ها چگونه بر اساس تصمیم‌گیری‌ها رفتار می‌کنند؟ طبق این نظریه، رفتار شرکت از طریق عملی نمایان می‌شود که برآیند اجماع روابط ذینفعان و ائتلاف آن‌ها می‌باشد و به عبارتی بین اهداف ذینفعان و تصمیم‌گیری درون سازمان تحت تاثیر شرایط داخلی و بیرونی رابطه معناداری وجود دارد. وان اس و همکاران [36] در یک مطالعه با مقایسه دو نوع رویکرد به پژوهش‌های حاکمیت شرکتی، از دیدگاه رفتاری شرکت را شبکه‌ای از ائتلاف‌ها معرفی کردند و ساختارهای تصمیم‌گیری را بصورت فرآیندهای تصمیم‌گیری که بصورت سیاسی و مبتنی بر زمینه‌های اقتضایی صورت می‌گیرند، شناسایی کردند. همچنین شکل‌گیری تصمیم را در سازمان مبتنی بر چانه‌زنی دانستند. دیواندری و همکاران [37] در پژوهشی در موضوع رویکرد رفتاری به حاکمیت شرکتی معتقد است فرآیندهای تصمیم‌گیری هیات‌مدیره بصورت یک جعبه سیاه برای پژوهشگران حوزه رفتار سازمانی باقی مانده است و توصیه به توسعه روش‌های پژوهش کیفی و آمیخته برای توسعه نظریه‌های رفتاری اقتضایی در حاکمیت شرکتی است.

آنچه که بر اساس مرور ادبیات نظری و تجربی تحقیق حاصل می‌شود، این است که گروه‌های ذینفع، با حفظ جای پای خود در حوزه‌های تصمیم‌گیری سازمان که بیشتر به آن‌ها مربوط می‌شود، می‌توانند بر روندهای تصمیم‌گیری و تعیین هدف‌ها در سازمان تاثیر بگذارند. آنچه که تعیین کننده استراتژی‌ها و شکل دهنده منافع مشترک بین تمامی ذینفعان است، شاخص‌های رفتاری حاکم بر گروه‌های ذینفع است که به‌عنوان بخشی از مهم‌ترین عوامل تعیین کننده سیاست‌های راهبردی سازمان، تاکنون در مطالعات پیشین در قالب یک الگو مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

اگرچه وجود کنش‌های رفتاری مشترک بین گروه‌های ذینفع در ساختار حاکمیت شرکتی، می‌تواند تعیین کننده سیاست‌های نهادی سازمان برای تحقق اهداف و تامین منافع تمامی ذینفعان باشد، با این وجود، هنوز مطالعه در خصوص الگوهای رفتاری گروه‌های ذینفع در حاکمیت شرکتی سازمان‌ها محدود است و یک خلا تحقیقاتی مهم در این زمینه وجود دارد، به ویژه مطالعاتی که یک الگوی نظری یا مفهومی را به روش‌های پژوهش کمی سنجیده باشد. اگرچه می‌توان مطالعاتی را در راستای مسایل حاکمیت شرکتی و ذینفعان یافت که تبیین کننده اهمیت گروه‌های ذینفع در ساختار حاکمیت شرکتی است، اما هیچ یک از آن‌ها تبیین مستقیمی از الگوهای رفتاری گروه‌های ذینفع در ساختار حاکمیت شرکتی ارائه نمی‌دهند.

۴-۲- اهداف پژوهش

هدف اصلی یافتن الگویی رفتاری برای ذینفعان سازمان تامین اجتماعی است که بر کیفیت حاکمیت شرکتی اثرگذار هستند. پرسش‌هایی که در این زمینه مطرح است می‌تواند آن باشد که اولاً این الگوی رفتاری که تعیین کننده شاخص‌های مهم رفتاری اثرگذار ذینفعان در حاکمیت شرکتی در سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته چگونه است؟ و ثانياً شاخص‌های رفتاری در این الگو کدامند؟ هریک از گروه‌های ذینفع در حاکمیت شرکتی، چگونه و با چه اهمیتی، این شاخص‌های رفتاری را از خود نشان می‌دهند؟ بنابراین در این تحقیق به‌منظور کاهش این شکاف تحقیقاتی، به شناسایی یک الگوی رفتاری گروه‌های ذینفع در حاکمیت شرکتی در سازمان تامین اجتماعی پرداخته شده و میزان اهمیت و تبیین کنندگی هر یک از این شاخص‌ها در بین هریک از گروه‌های ذینفع مورد ارزیابی قرار گرفته است. بر همین اساس، تحقیق حاضر در راستای پاسخ به سه پرسش کلی انجام شده است:

۱. گروه‌های ذینفع در حاکمیت شرکتی به سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته کدامند؟
۲. الگویی رفتاری ذینفعان در سازمان تامین اجتماعی ایران و شرکت‌های آن چگونه است؟
۳. مولفه‌های رفتاری مشترک در بین گروه‌های ذینفع حاکمیت شرکتی در شرکت‌های وابسته به سازمان تامین اجتماعی کدامند؟

۳- روش شناسی

به‌طور کلی روش شناسی پژوهش شامل این مراحل است: ۱- شناسایی شاخص‌های رفتاری بر اساس پیشینه نظری و تحلیل کار پژوهشگران مرتبط در بخش ادبیات، ۲- به دست آوردن یک الگوی پیشنهادی، ۳- انجام تحلیل عاملی اکتشافی برای شناسایی و تبیین عوامل اکتشافی که همان شناسایی ذینفعان بر اساس بارهای عاملی بود و ۴- نهایتاً انجام تحلیل عاملی تاییدی برای تایید الگوی پیشنهادی و برازش الگو. این پژوهش از منظر روش شناختی، یک مطالعه با رویکرد آمیخته است که دو شیوه مطالعات کیفی و کمی را در راستای پاسخ به پرسش‌های پژوهش بکار می‌گیرد.

در رویکرد کیفی، به شناسایی شاخص‌های رفتاری ذینفعان از طریق تحلیل تطبیقی در نظرات پژوهشگران مرتبط با پیشینه موضوع عمل شد و یک الگوی نظری پیشنهادی تبیین گردید. در بخش کمی تحقیق نیز با استفاده از ابزارهای تحلیل آماری مناسب به اعتبارسنجی الگوی شناسایی شده پرداخته شده است. جامعه آماری بخش کمی پژوهش شامل افراد خبره و صاحب‌نظران دانشگاهی و خبرگان متخصص شامل مدیران و کارشناسان شاغل عمدتاً در سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته به آن است. انتخاب خبرگان به‌عنوان نمونه آماری به صورت هدفمند انجام شد. معیارهایی که برای خبرگان جهت پاسخ به پرسشنامه انتخاب شدند، آن بود که حداقل یکی از معیارهای زیر را در زمینه موضوع مورد مطالعه داشته باشند: ۱- دارا بودن سابقه مطالعاتی و پژوهشی، ۲- دارا بودن حداقل یک مقاله علمی مرتبط، ۳- دارا بودن سابقه مدیریت ارشد در سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته و ۴- کارشناس و سابقه کار حداقل ۳ سال در حوزه‌های مرتبط با حاکمیت شرکتی بوده باشد. جدول ۱ شرح ویژگی‌های جمعیت شناختی خبرگان را نشان می‌دهد.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی.

Table 1- Cognitive characteristics.

مشخصات فردی	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	175
	زن	22
	جمع کل	207
تحصیلات	کارشناسی	31
	کارشناسی ارشد	96
	دکترا	80
	جمع کل	207
سابقه خدمت (سال)	۱۰-۵ سال	10
	۱۵-۱۰ سال	20
	۲۰-۱۵ سال	45
	۲۵-۲۰ سال	57
	۳۰-۲۵ سال	34
	۳۰ به بالا	41
جمع کل	207	100

ابزار پژوهش برای بخش کمی پرسشنامه بود که شامل ۳۶ پرسش مبتنی بر ابعاد و ارکان حاصل از الگوی نظری تحلیل تطبیقی طراحی شد. به ازای هر پرسش حداقل ۵ نفر پاسخ (مشاهده) که در مجموع حداقل ۱۸۰ پاسخ لازم می‌شد. هر پرسش بر اساس طیف ۵ ارزشی لیکرت طراحی و در اختیار مدیران و کارشناسان گذاشته شد. از بیش از ۲۲۰ پرسشنامه توزیع شده به تعداد ۲۰۷ نفر پاسخ دادند که بالای مقدار حداقل لازم بود. پایایی پرسشنامه‌ها از طریق برآورد ضریب آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت.

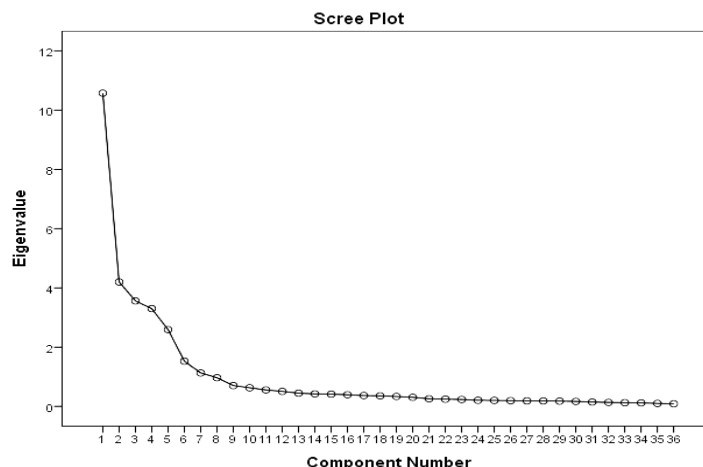
۴- یافته‌ها

بر اساس تحلیل اکتشافی به کمک نرم افزار SPSS که صورت گرفت جدول ۲ به دست آمد.

جدول ۲- شناسایی عامل‌ها (بعد) بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی با توجه به درصد واریانس تبیین شده داده‌ها.
Table 2- Identification of factors (dimension) based on exploratory factor analysis according to the percentage of explained variance of the data.

عامل	مقادیر ویژه اولیه		مجموع مجذورات بارهای عاملی استخراج شده			مجموع مجذورات بارهای عاملی بعد از چرخش		
	کل	درصد واریانس	کل	درصد واریانس	کل	درصد واریانس	درصد	درصد
۱	10.573	29.369	10.573	29.369	7.027	19.521	19.521	19.521
۲	4.200	11.667	4.200	11.667	5.123	14.230	14.230	33.751
۳	3.559	9.887	3.559	9.887	4.364	12.121	12.121	45.872
۴	3.300	9.167	3.300	9.167	3.810	10.584	10.584	56.456
۵	2.590	7.194	2.590	7.194	3.275	9.097	9.097	65.553
۶	1.526	4.238	1.526	4.238	2.149	5.969	5.969	71.522

با توجه به نتایج جدول ۲ مشاهده می‌شود که دسته بندی شاخص‌های تحقیق در قالب تعداد ۶ بعد، می‌تواند %۷۱/۵۲۲ از تغییرات موجود در کل داده‌های حاصل از توزیع پرسشنامه را تبیین نماید. بنابراین، به نظر می‌رسد که استخراج تعداد ۶ عامل، توان قابل توجهی در تبیین تغییرات داده‌ها و مفاهیم مکنون در شاخص‌ها را داشته است.

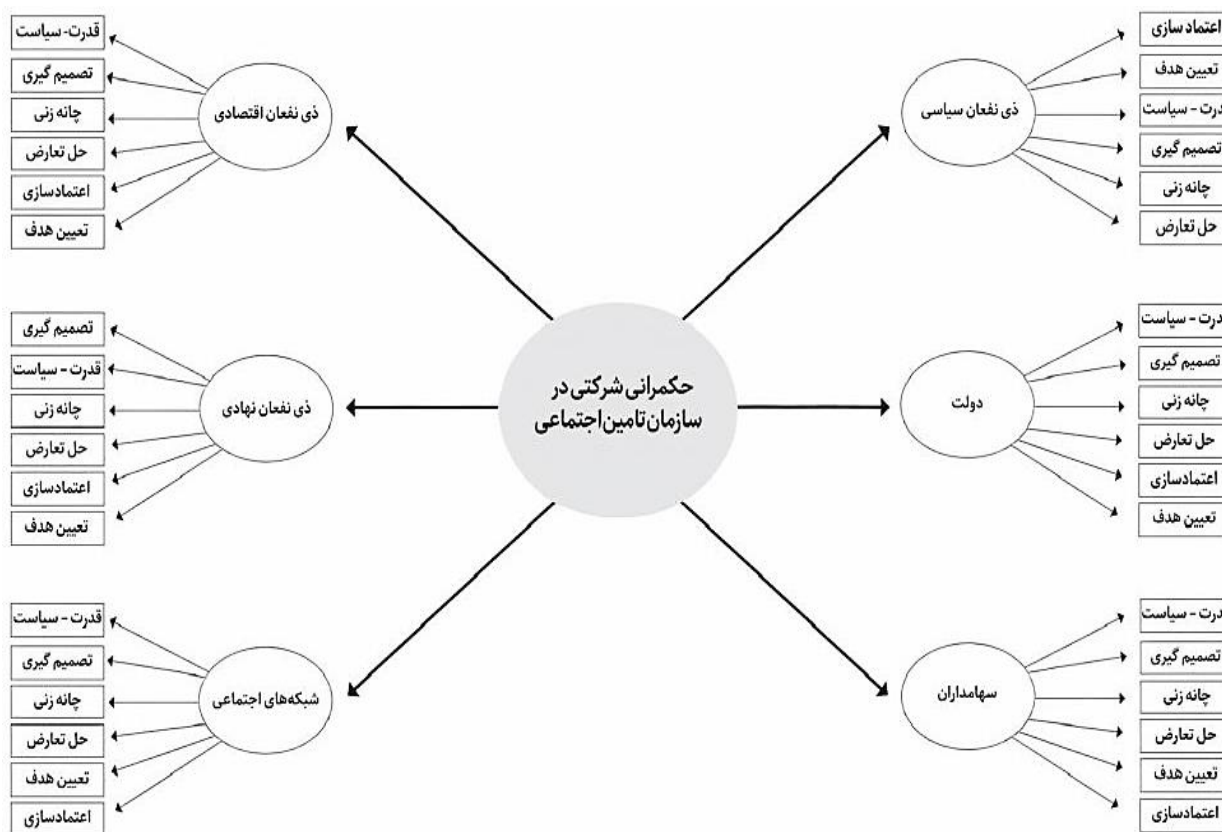


شکل ۱- نمودار سنگ‌ریزه مقادیر ویژه ماتریس کواریانس شاخص‌ها-تحلیل عاملی اکتشافی با ۶ عامل.

Figure 1- Pebble chart of the eigenvalues of the covariance matrix of indicators - exploratory factor analysis with 6 factors.

نمودار شن‌ریزه ترسیم شده از عامل‌ها نیز نشان داد که شش عامل با فاصله‌های متناسب و با مقدار ویژه بالاتر از یک، بالای خط افقی تشکیل شده از شن‌ریزه‌ها قرار دارند. در واقع، این نمودار نشان‌دهنده این است که از عامل شش به بعد، تغییرات مقدار ویژه کمتر و ناچیز می‌شود؛ بنابراین، می‌توان شش عامل را به‌عنوان عوامل مهمی که بیشترین نقش را در تبیین واریانس مشترک داده‌ها دارند، استخراج نمود. شش عامل در واقع شش گروه ذینفعان اصلی سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته بودند که به این ترتیب نام‌گذاری شدند: ۱- ذینفعان نهادی، ۲- ذینفعان اقتصادی، ۳- سهامداران، ۴- شبکه‌های اجتماعی، ۵- دولت و ۶- ذینفعان سیاسی. همچنین، در تحلیل تطبیقی ۷ نظریه یا پارادایم رفتاری که در بخش پیشینه موضوع مطالعه شدند منجر به شناسایی ۶ شاخص رفتاری مشترک بین گروه‌های ذینفع حاکمیت شرکتی در سازمان تامین اجتماعی شد که عبارتند از ۱- حل تعارض، ۲- اعتمادسازی در هیات‌مدیره، ۳- چانه‌زنی سیاسی، ۴- روابط قدرت-سیاست، ۵- تعیین هدف‌ها و ۶- فرآیند تصمیم‌گیری؛ بنابراین، با توجه به شناسایی گروه‌های ذینفع اصلی و شاخص‌های رفتاری مشترک میان این گروه‌ها، الگوی نظری پژوهش، در راستای تبیین الگوی رفتاری مشترک گروه‌های ذینفع حاکمیت شرکتی در شرکت‌های وابسته به سازمان تامین اجتماعی به صورت شکل ۱ حاصل شد.

شکل ۲ الگوی پیشنهادی رفتاری گروه‌های ذینفع در حاکمیت شرکتی سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته را نشان می‌دهد.



شکل ۲- الگوی رفتاری نظری به دست آمده از روش تحلیل عاملی اکتشافی.

Figure 2- The theoretical behavior pattern obtained from the exploratory factor analysis method.

۴-۱- اعتبارسنجی الگوی نظری

تجزیه و تحلیل داده‌ها و برازش الگو در این بخش از طریق نرم‌افزار ایموس انجام پذیرفت. به منظور اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی از تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم بر روی سازه‌های الگوهای رفتاری مشترک در گروه‌های ذینفعان استفاده شد. اگرچه فرض توزیعی داده‌ها در این روش حایز اهمیت است، اما با توجه به حجم بالای نمونه می‌توان با اندکی اغماض پذیرفت که توزیع داده‌ها به صورت مجانبی نرمال خواهد بود و بنابراین انجام تحلیل عاملی تاییدی برای داده‌ها امکان‌پذیر است. این تحلیل در راستای تایید قابلیت تجمع ابعاد الگو در قالب الگوی رفتاری ذینفعان و همچنین تایید قابلیت تجمع شاخص‌ها در سنجش ابعاد الگوی رفتاری ذینفعان به صورت هم‌زمان انجام شده است. جدول ۳ نتایج به دست آمده از این تحلیل را برای لایه اولیه الگو (ارتباط میان گروه‌های ذینفع با مفهوم کلی الگوی رفتاری ذینفعان) نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتایج تحلیل عاملی تاییدی در لایه اولیه الگو (گروه‌های ذینفعان).

Table 3- Results of confirmatory factor analysis in the initial layer of the model (groups of stakeholders).

شماره عامل	نام عامل	بار عاملی (وزن رگرسیونی استاندارد)	برآورد (تخمین)	آماره آزمون تی	معناداری
عامل ۱	ذینفعان اقتصادی	0.922	4.49	4.094	0.0000
عامل ۲	ذینفعان نهادی	0.836	3.35	3.094	0.0000
عامل ۳	سهمداران	0.481	2.70	3.553	0.0000
عامل ۴	شبکه‌های اجتماعی	0.354	1.32	3.024	0.0003
عامل ۵	دولت	0.444	1.17	3.211	0.001
عامل ۶	ذینفعان سیاسی	0.375	1.00		

سطح معناداری به دست آمده برای آزمون معناداری بارهای عاملی به دست آمده از تحلیل، کوچکتر از خطای ۰/۰۵ برآورد شده که نشان می‌دهد هریک از ۶ گروه ذینفع شناسایی شده در الگوی رفتاری ذینفعان، به طور معناداری در تبیین مفهوم کلی این مدل ایفای نقش می‌کنند و به بیان دیگر،

الگوی رفتاری ذینفعان در حکمرانی شرکت‌های وابسته به سازمان تامین اجتماعی، به‌طور معناداری از طریق این ۶ گروه ذینفعان قابل تبیین است. با توجه به این نتایج می‌توان پذیرفت که لایه اولیه مدل که نشان دهنده قابلیت تبیین الگوی رفتاری ذینفعان از طریق ۶ گروه ذینفع شامل ذینفعان نهادی، سهامداران، ذینفعان اقتصادی، شبکه اجتماعی، دولت و ذینفعان سیاسی است، مورد تایید قرار گرفته و مدل در لایه اولیه آن دارای اعتبار است. به‌منظور اعتبارسنجی لایه دوم مدل، نتایج تحلیل عاملی تاییدی برای شاخص‌های مدل (الگوهای رفتاری مشترک) در ارتباط با هریک از گروه‌های ذینفعان مورد بررسی قرار گرفته است. جدول ۴ نتایج این تحلیل را نشان می‌دهد.

جدول ۴- نتایج تحلیل عاملی تاییدی در لایه ثانویه مدل (الگوهای رفتاری مشترک).

Table 4- The results of confirmatory factor analysis in the secondary layer of the model (common behavioral patterns).

عامل‌ها	شاخص‌ها (ابعاد رفتاری)	بار عاملی	آماره آزمون تی	سطح معناداری
ذینفعان سیاسی	تا چه حد ذینفعان سیاسی در روابط قدرت-سیاست در سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته به آن اثرگذارند؟	0.705		
	تا چه حد ذینفعان سیاسی در فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته به آن اثرگذارند؟	0.703	8.644	0.000
	تا چه حد ذینفعان سیاسی در سازمان تامین اجتماعی از طریق چانه‌زنی سیاسی هدف‌های خود را دنبال می‌کنند؟	0.768	9.363	0.000
	تا چه حد ذینفعان سیاسی در اعتمادسازی در هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.411		0.000
	تا چه حد ذینفعان سیاسی در سازمان تامین اجتماعی در تعیین هدف‌ها اثرگذارند؟	0.711	8.736	0.000
	تا چه حد ذینفعان سیاسی در حل تعارض در هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.616	7.595	0.000
	دولت	تا چه حد دولت در روابط قدرت-سیاست در سازمان تامین اجتماعی اثرگذار است؟	0.599	
تا چه حد دولت در فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان تامین اجتماعی اثرگذار است؟		0.691	7.158	0.000
تا چه حد دولت از طریق چانه‌زنی سیاسی هدف‌های خود در سازمان تامین اجتماعی دنبال می‌کند؟		0.494	5.549	0.000
تا چه حد دولت در حل تعارضات در هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی نقش دارد؟		0.749	7.544	0.000
تا چه حد دولت در سازمان تامین اجتماعی در تعیین هدف‌ها اثرگذار است؟		0.809	7.884	0.000
تا چه حد دولت در اعتمادسازی در هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی اثرگذار است؟		0.688	7.138	0.000
سهامداران		تا چه حد سهامداران در روابط قدرت-سیاست در سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.830	-
	تا چه حد سهامداران در فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.885	15.23	0.000
	تا چه حد سهامداران در سازمان تامین اجتماعی از طریق چانه‌زنی سیاسی هدف‌های خود را دنبال می‌کنند؟	0.865	14.67	0.000
	تا چه حد سهامداران در حل تعارض در هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.918	16.25	0.000
	تا چه حد سهامداران در سازمان تامین اجتماعی در تعیین هدف‌ها اثرگذارند؟	0.918	16.26	0.000
	تا چه حد سهامداران در اعتمادسازی در هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.884	15.20	0.000

جدول ۴- ادامه.

Tablr 4- Continued.

عامل‌ها	شاخص‌ها (ابعاد رفتاری)	بار عاملی	آماره آزمون تی	سطح معناداری
ذینفعان اقتصادی	تا چه حد ذینفعان اقتصادی در روابط قدرت-سیاست در سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.671	10.41	0.000
	تا چه حد ذینفعان اقتصادی در فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.813	14.13	0.000
	تا چه حد ذینفعان اقتصادی در سازمان تامین اجتماعی از طریق چانه‌زنی سیاسی هدف‌های خود را دنبال می‌کنند؟	0.725	11.69	0.000
	تا چه حد ذینفعان اقتصادی در حل تعارض در هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.878	مبنا	0.000
	تا چه حد ذینفعان اقتصادی در سازمان تامین اجتماعی در تعیین هدف‌ها اثرگذارند؟	0.879	16.41	0.000
	تا چه حد ذینفعان اقتصادی در اعتمادسازی در هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.851	15.38	0.000
ذینفعان نهادی	تا چه حد ذینفعان آن‌ها در روابط قدرت-سیاست در سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.663	-	-
	تا چه حد ذینفعان نهادی در فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.718	8.519	
	تا چه حد ذینفعان نهادی در سازمان تامین اجتماعی از طریق چانه‌زنی سیاسی هدف‌های خود را دنبال می‌کنند؟	0.635	7.646	
	تا چه حد ذینفعان نهادی در حل تعارض در هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.844	9.724	
	تا چه حد ذینفعان نهادی در سازمان تامین اجتماعی در تعیین هدف‌ها اثرگذارند؟	0.810	9.416	
	تا چه حد ذینفعان نهادی در اعتمادسازی در هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.838	9.675	
شبکه اجتماعی	تا چه حد شبکه‌های اجتماعی در روابط قدرت-سیاست در سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.701	-	-
	تا چه حد شبکه‌های اجتماعی در فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.834	10.43	0.000
	تا چه حد شبکه‌های اجتماعی در سازمان تامین اجتماعی از طریق چانه‌زنی سیاسی هدف‌های خود را دنبال می‌کنند؟	0.803	10.07	0.000
	تا چه حد شبکه‌های اجتماعی در حل تعارض در هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.786	9.87	0.000
	تا چه حد شبکه‌های اجتماعی در سازمان تامین اجتماعی در تعیین هدف‌ها اثرگذارند؟	0.855	10.67	0.000
	تا چه حد شبکه‌های اجتماعی در اعتمادسازی در هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند؟	0.827	10.35	0.000

باتوجه به سطوح معناداری به دست آمده از این تحلیل که برای تمامی الگوهای رفتاری مشترک مدل کوچکتر از خطای ۰/۰۵ برآورد شده می‌توان پذیرفت که شاخص‌های رفتاری شناسایی شده در بخش تحلیل تطبیقی، به‌طور معناداری قابلیت تبیین الگوهای رفتاری مشترک ذینفعان در سازمان تامین اجتماعی را داشته‌اند و رفتار مشترک هریک از گروه‌های ذینفعان، از طریق شاخص‌های متناظر به‌طور معناداری قابل سنجش و تبیین است؛ بنابراین، اعتبار الگو در لایه بیرونی و ثانویه آن نیز مورد تایید قرار گرفته است. به‌منظور اعتبارسنجی این تحلیل، شاخص‌های نیکویی برازش برای تحلیل عاملی تاییدی نیز انجام شده که نتایج آن به شرح جدول ۵ بوده است.

جدول ۵- شاخص‌های نیکویی برازش تحلیل عاملی تاییدی (الگوی رفتاری

ذینفعان در حاکمیت شرکتی سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته).

Table 5- Goodness of fit indicators of confirmatory factor analysis (behavioral pattern of stakeholders in the corporate governance of the Social Security Organization and affiliated companies).

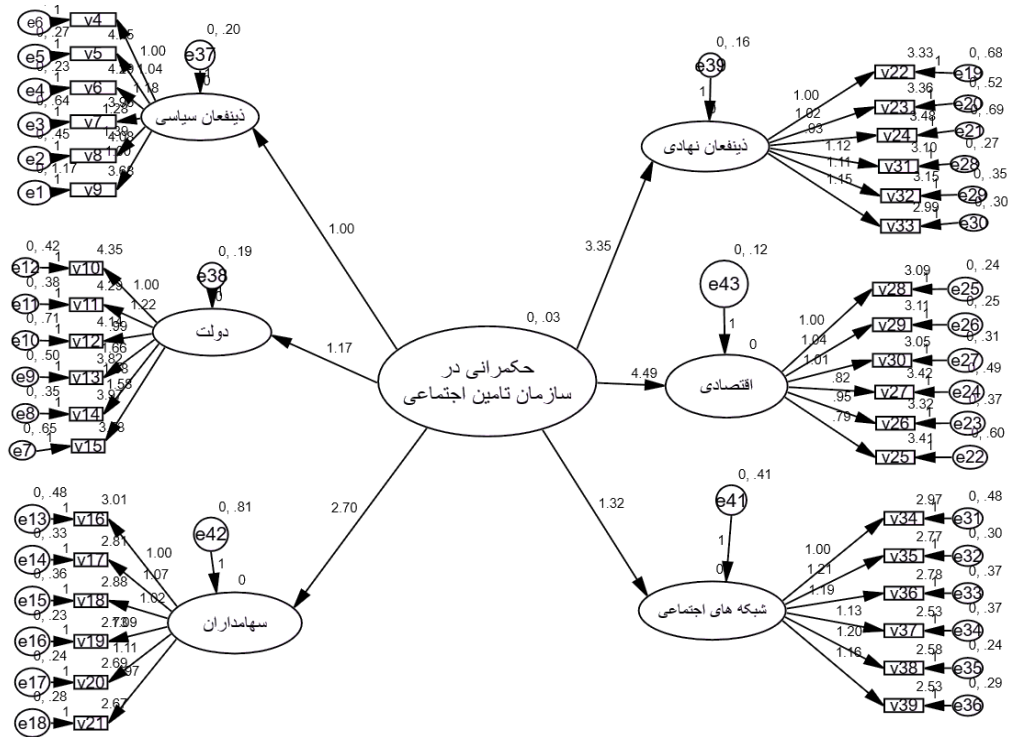
شاخص	نماد	برآورد	مقدار قابل قبول
آماره کای-مربع	χ^2	1586.6	-
درجه آزادی	df	589	-
معناداری	sig.	0.000	کمتر از ۰/۰۵
نسبت کای مربع به درجه آزادی	χ^2/df	2.694	کمتر از ۳
شاخص برازش تطبیقی	CFI	0.973	بالای ۰/۹
شاخص توکر لویس ^۱	TLI	0.971	بالای ۰/۹
ریشه میانگین مربعات خطای تقریب	RMSEA	0.097	۰/۱ تا ۰/۰۵
ریشه میانگین مربعات خطای استاندارد	SRMR	0.060	0.05

باتوجه به سطح معناداری مدل که کوچکتر از خطای ۰/۰۵ به دست آمده، می‌توان پذیرفت که مدل برازش شده به داده‌ها در این تحلیل، بطورکامل اشباع نبوده و روابط قابل توجه دیگری بین شاخص‌ها یا ابعاد نیز وجود داشته که در مدل می‌توانست لحاظ گردد. اما از آنجا که سطح معناداری مدل بر اساس مقدار آماره کای-مربع محاسبه شده و این آماره دارای تورش است، از نسبت آماره کای-مربع به درجه آزادی مدل برای تبیین برازندگی مدل به داده‌ها و تصمیم در خصوص اشباع بودن مدل استفاده می‌شود. این نسبت برای تحلیل، برابر با ۲/۶۹۴ به دست آمده که کوچکتر از مقدار قابل قبول ۳ است و به‌طور تجربی می‌توان پذیرفت که مدل تحلیل عاملی برازش شده به داده‌ها، در حد قابل قبولی اشباع بوده و سایر روابط موجود میان شاخص‌ها و ابعاد که در مدل لحاظ نشده‌اند، نتایج تحلیل را تهدید نخواهند کرد.

همچنین شاخص برازش تطبیقی و شاخص توکر لویس نیز با مقادیر بزرگتر از مقدار قابل قبول ۰/۹، نشان از برازندگی مدل به داده‌ها داشته‌اند. شاخص‌های خطای *RMSEA* و *SRMR* نیز با مقادیر ۰/۰۵ تا ۰/۱ نشان از خطای اندک و قابل اغماض مدل در تبیین روابط بین متغیرها دارند؛ بنابراین، تحلیل عاملی انجام شده بر روی شاخص‌ها و ابعاد شناسایی شده در تحقیق، از برازندگی کافی بر روی داده‌ها برخوردار بوده و الگوی رفتاری ذینفعان حکمرانی در شرکت‌های وابسته به سازمان تامین اجتماعی، دارای اعتبار است. شکل ۳، شکل نهایی الگوی رفتاری ذینفعان را بر اساس ۶ بعد اکتشاف شده در تحقیق و شاخص‌های رفتاری تبیین شده برای ذینفعان که بر حاکمیت شرکتی در سازمان تامین اجتماعی اثرگذارند را نشان می‌دهد.

این الگو خروجی کار با نرم افزار ایموس می‌باشد. ضرایبی که روی هر یک از فلش‌های شش‌گانه عوامل شناسایی شده متغیر اصلی که همان حکمرانی در سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته به آن می‌باشد وجود دارد، ضریب رگرسیونی استاندارد شده است که مبین تاثیر متغیر پیش بین بر متغیر وابسته است. "علامت جهت" نشان دهنده تاثیر مستقیم و "مقدار آن" میزان همبستگی لازمه آن را نشان می‌دهد. حروف V انگلیسی که از شماره ۴ شروع شدند، بیانگر گویه‌های (شاخص‌های) هر بعد (یک گروه ذینفع) هستند. حروف e بیانگر خطای واریانس و اعداد مقادیر آن‌هاست.

¹ Tucker-Lewis



شکل ۳- الگوی برازش شده رفتاری ذینفعان در حکمرانی شرکتی سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته.
 Figure 3- The adjusted behavioral model of the stakeholders in the corporate governance of the Social Security Organization and affiliated companies.

باتوجه به تایید روایی عوامل و مولفه‌های رفتاری مشترک گروه‌های ذینفع در شرکت‌های وابسته به سازمان تامین اجتماعی، پایایی این مدل بر اساس الگوهای رفتاری مشترک هریک از گروه‌های ذینفع با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی شده و میزان تبیینی هریک از این شاخص‌ها در بین تمامی گروه‌های ذینفع به‌طور مشترک مورد آزمون قرار گرفت. جدول ۶ نتایج حاصل از برآورد ضرایب پایایی شاخص‌های الگو را برای هریک از گروه‌های ذینفع نشان می‌دهد.

جدول ۶- پایایی ابعاد مدل (ضریب آلفای کرونباخ).

Table 6- Reliability of model dimensions (Cronbach's alpha coefficient).

گروه‌های ذینفع	تعداد شاخص‌های الگوی رفتاری	آلفای کرونباخ
ذینفعان نهادی	6	0.883
شبکه اجتماعی	6	0.900
سهامداران	6	0.893
دولت	6	0.914
ذینفعان سیاسی	6	0.890
ذینفعان اقتصادی	6	0.871

باتوجه به نتایج جدول ۶، مشاهده می‌شود که ضریب آلفای کرونباخ برای ارزیابی پایایی شاخص‌های الگوی رفتاری مشترک در بین هریک از گروه‌های ذینفع حاکمیت شرکتی در شرکت‌های وابسته به سازمان تامین اجتماعی، بزرگتر از مقدار قابل قبول ۰/۷ به دست آمده و نشان از پایایی شاخص‌ها در این الگو دارد.

به‌منظور ارزیابی میزان اشتراک واقعی ابعاد رفتاری شناسایی شده در بین گروه‌های ذینفع حاکمیت شرکتی در جامعه آماری تحقیق، متوسط نمرات به دست آمده از سطح مشاهده و تجربه مولفه‌های رفتاری مشترک توسط گروه‌های ذینفع، با حد متوسط ۳ مورد مقایسه قرار گرفته است. با توجه به حجم کافی نمونه آماری و با استناد به قضیه حد مرکزی، برای این آزمون، از روش پارامتری و آزمون مقایسه میانگین تی-استودنت بهره گرفته شده است. جدول ۷ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۷- آزمون وضعیت موجود شاخص‌های رفتاری مشترک گروه‌های ذینفع.

Table 7- Testing the existing status of the common behavioral indicators of the beneficiary groups.

معناداری	آماره آزمون t	میانگین نمرات	شاخص‌های رفتاری مشترک
0.000	-15.516	2.04	حل تعارض
0.000	-7.368	2.52	اعتمادسازی در هیات‌مدیره
0.890	0.138	3.01	چانه‌زنی سیاسی
0.000	7.886	3.58	روابط قدرت-سیاست
0.000	32.131	4.540	تعیین هدف‌ها
0.000	30.959	4.510	فرآیند تصمیم‌گیری

باتوجه به نتایج جدول ۷ مشاهده می‌شود که از میان شاخص‌های رفتاری شناسایی شده در مدل تحقیق، روابط قدرت-سیاست، تعیین هدف‌ها و فرآیند تصمیم‌گیری از نظر مدیران ارشد و میانی به‌طور مشهودی در بین تمامی گروه‌های ذینفع مشاهده می‌شود، درحالی‌که شاخص رفتاری حل تعارض و اعتمادسازی در هیات‌مدیره از نظر اعضای جامعه آماری تحقیق، دارای وجه اشتراک در بین گروه‌های ذینفع نبوده‌اند. همچنین سطح معناداری به دست آمده برای شاخص رفتاری چانه‌زنی سیاسی، با مقدار بزرگتر از $0/05$ نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری در خصوص اشتراک واقعی گروه‌های ذینفع در مورد این شاخص رفتاری، غیرقطعی است. تحلیل این می‌تواند باشد که چانه‌زنی سیاسی را می‌توان به‌عنوان بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری قلمداد کرد که در نظر خبرگان و پاسخ‌دهندگان یک شاخص مستقل تعبیر نیافت. سطح مشاهده رفتار مشترک در بین گروه‌های ذینفع، از این شاخص رفتاری در حد متوسط بوده است.

۵- نتیجه‌گیری

در این پژوهش به الگوی رفتاری مشترک گروه‌های ذینفع در حاکمیت شرکتی شرکت‌های وابسته به سازمان تامین اجتماعی در شکل ۲ ارایه شد. در این راستا با استفاده از تحلیل نظری پیشینه پژوهش و به کمک تحلیل عاملی اکتشافی، تعداد ۶ گروه ذینفع در حاکمیت شرکتی شرکت‌های مذکور شناسایی گردید و ۶ مولفه رفتاری مشترک شامل روابط قدرت-سیاست، تصمیم‌گیری، تعیین هدف، چانه‌زنی، اعتمادسازی و حل تعارض میان تمامی گروه‌ها از عناصر اصلی الگوی رفتاری ذینفعان در حاکمیت شرکتی است که تایید کننده و همسو با نظرات پژوهشگران قبلی است. در این بین، مولفه‌های رفتاری تعیین هدف را می‌توان اولین گام در راستای تامین ائتلاف در گروه‌های ذینفع دانست. پس از آن، فرآیند تصمیم‌گیری در هیات‌مدیره را می‌توان دومین مولفه رفتاری مهم در کیفیت حاکمیت شرکتی دانست. سومین مولفه مهم روابط قدرت-سیاست بین ذینفعان بخصوص در داخل هیات‌مدیره شرکت‌های سازمان تامین اجتماعی می‌باشد که در راستای اجرای راهبردها و حاکمیت شرکتی می‌توان موثر دانست که مطابق جدول ۷ از میانگین بالاتری در آماره آزمون برخوردار بودند. در این میان، روابط قدرت-سیاست و تعیین هدف‌ها که تبیین کننده نفوذ دولت در ساختار حاکمیت شرکتی شرکت‌های مورد مطالعه است، در کانون توجه قرار می‌گیرد. این دو مولفه رفتاری از آن جهت مهم‌اند که ممکن است برای سهامداران معیار و خواسته اصلی آن‌ها هدف‌ها و نتایج اقتصادی مطلوب باشند که مبین نظریه نمایندگی است، درحالی‌که دولت و ذینفعان سیاسی از طریق چانه‌زنی و مداخله در فرآیندهای تصمیم‌گیری، هدف‌ها را بر اساس مطلوبیت‌های غیر اقتصادی، بلکه با نگاه سیاسی و اجتماعی تعیین می‌کنند که مبین تقویت نظریه‌ی ذینفعان است.

با این تحلیل می‌توان چنین پنداشت که برای حاکمیت شرکتی صرفاً نمی‌توان به خروجی‌های بنگاه توجه داشت بلکه با اهمیت دانستن نظریه رفتاری شرکت، کنش‌های رفتاری ذینفعان در درون ساختار شرکت و یا سازمان تامین اجتماعی نیز بسیار تعیین کننده است. درحالی‌که ارتباطات سیاسی یکی از عواملی است که همواره در مطالعات حاکمیت شرکتی مورد توجه بوده است، روابط قدرت-سیاست می‌تواند عنصری قابل تامل در تنظیم ساختار حاکمیت شرکتی باشد که در کنار آن، چانه‌زنی سیاسی برای حفظ جایگاه سیاسی و تضمین روابط با احزاب مطرح می‌شود. در ادامه، فرآیند تصمیم‌گیری حایز اهمیت است. تصمیم‌گیری که به‌عنوان یک بعد رفتاری مشترک در میان تمامی گروه‌های ذینفع حاکمیت شرکتی شناسایی شده است. فرآیند تصمیم‌گیری در خصوص راهبردهای مشترک یا هم‌افزا، با توجه به منافع متفاوت ذینفعان پیچیده است. در نتیجه، مهارت رفتاری حل تعارض و اعتمادسازی بین نمایندگان ذینفعان در حاکمیت شرکت‌ها، می‌تواند به این فرآیند پیچیده کمک کند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که مولفه‌های رفتاری مشترک میان گروه‌های ذینفع در حاکمیت شرکتی در شرکت‌های مورد مطالعه، سازه‌های یک الگو را تبیین می‌کند که درون سازمان را به خروجی‌های آن یا در واقع عملکرد آن مرتبط می‌سازد. اگرچه سطح توجه مشترک گروه‌های ذینفع به این ابعاد رفتاری، طبق یافته‌های تحقیق فقط

محدود به ۳ شاخص هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری و روابط قدرت-سیاست می‌شود، اما می‌توان انتظار داشت که زمینه‌هایی مثل فرهنگ سازمان و یا عوامل مداخله‌گر و تعدیل‌گر تاثیر سایر ابعاد رفتاری بر حاکمیت شرکتی در سازمان تامین اجتماعی را با اهمیت سازد. سازوکارهایی که امکان افزایش نقش برخی ذینفعان مثل سهامداران اصلی که بیمه‌پردازان هستند، بر فرآیند تصمیم‌گیری و روابط قدرت-سیاست برای بهبود عملکرد شرکتی که از هدف‌های مهم حاکمیت شرکتی است توصیه می‌گردد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود به‌منظور واکاوی بیشتر این مساله مطالعات بیشتری با هدف تقویت نقش سهامداران و همچنین ذینفعان اقتصادی و گروه‌های اجتماعی در این چارچوب صورت گیرد. همچنین تاثیر هرکدام از مولفه‌های رفتاری را به‌طور مستقل بر ابعاد و اصول حاکمیت شرکتی می‌توان دستور کارهای پژوهشی خوبی دانست.

منابع

- [1] Solomon, J. (2020). *Corporate governance and accountability*. John Wiley & Sons.
- [2] Kahan, M., & Rock, E. B. (2020). Index funds and corporate governance: let shareholders be shareholders. *BuL review*, 100, 1771. <https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/bulr100&div=54&id=&page=>
- [3] Halpin, D. R., & Fraussen, B. (2019). Laying the groundwork: linking internal agenda-setting processes of interest groups to their role in policy making. *Administration & society*, 51(8), 1337–1359. <https://doi.org/10.1177/0095399717728094>
- [4] Ararat, M., Claessens, S., & Yurtoglu, B. B. (2021). Corporate governance in emerging markets: a selective review and an Agenda for future research. *Emerging markets review*, 48, 100767. <https://doi.org/10.1016/j.ememar.2020.100767>
- [5] Allern, E. H., Hansen, V. W., Marshall, D., Rasmussen, A., & Webb, P. D. (2021). Competition and interaction: party ties to interest groups in a multidimensional policy space. *European journal of political research*, 60(2), 275–294. <https://doi.org/10.1111/1475-6765.12403>
- [6] Brunell, T. L. (2005). The relationship between political parties and interest groups: explaining patterns of pac contributions to candidates for congress. *Political research quarterly*, 58(4), 681–688. <https://doi.org/10.1177/106591290505800415>
- [7] De Bruycker, I. (2016). Power and position: which eu party groups do lobbyists prioritize and why? *Party politics*, 22(4), 552–562. <https://doi.org/10.1177/1354068816642803>
- [8] Heaney, M. T. (2010). Linking political parties and interest groups. In *The oxford handbook of american political parties and interest groups* (pp. 568–587). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199542628.003.0030>
- [9] Klüver, H. (2020). Setting the party agenda: interest groups, voters and issue attention. *British journal of political science*, 50(3), 979–1000. <https://doi.org/10.1017/S0007123418000078>
- [10] Otjes, S., & Rasmussen, A. (2017). The collaboration between interest groups and political parties in multi-party democracies: party system dynamics and the effect of power and ideology. *Party politics*, 23(2), 96–109. <https://doi.org/10.1177/1354068814568046>
- [11] Crisostomo, V. L., de Freitas Brandão, I., & López-Iturriaga, F. J. (2020). Large shareholders' power and the quality of corporate governance: an analysis of brazilian firms. *Research in international business and finance*, 51, 101076. <https://doi.org/10.1016/j.ribaf.2019.101076>
- [12] Hassas Yeganeh, Y., & Kashanian, S. (2013). Whose interests does corporate governance provide? *Accountant magazine*, 240, 94-97. **(In Persian)**. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/884096/>
- [13] Freeman, R. E., Phillips, R., & Sisodia, R. (2020). Tensions in stakeholder theory. *Business & society*, 59(2), 213–231. <https://doi.org/10.1177/0007650318773750>
- [14] Younas, A. (2022). Review of corporate governance theories. *European journal of business and management research*, 7(6), 79–83. <https://doi.org/10.24018/ejbmr.2022.7.6.1668>
- [15] Lewellen, J., & Lewellen, K. (2022). Institutional investors and corporate governance: the incentive to be engaged. *The journal of finance*, 77(1), 213–264. <https://doi.org/10.1111/jofi.13085>
- [16] Hopt, K. J. (2024). *Groups of companies-a comparative study on the economics, law and regulation of corporate groups*. <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4708515>
- [17] Mohajerani, A. A., Mashayekhi, A., & Talebian, M. (2019). Corporate governance in iran: the case of state-owned enterprises. *Iranian journal of management sciences*, 14(53), 1-35. **(In Persian)**. https://journal.iams.ir/article_305.html?lang=en
- [18] Isabirye, J. (2021). The behavioral theory of the firm: foundations, tenets and relevance. *Annals of spiru haret university. economic series*, 21(4), 497–513. <https://www.ceeol.com/search/article-detail?id=1034351>
- [19] Syafaat, A. K. S., & Hamoode, Q. A. K. (2023). Implementation of shariah hospital management fatwa and good corporate governance principles: another fact from Shariah hospital. *Journal hukum Islam*, 21(2), 415–442. https://doi.org/10.28918/jhi_v21i2_08
- [20] Kastiel, K., & Nili, Y. (2021). The corporate governance gap. *Yale law journal*, 131, 782. https://heinonline.org/hol/cgi-bin/get_pdf.cgi?handle=hein.journals/ylr131§ion=16
- [21] Rahnavard, R., Mohseni, A. R., & Lak, F. (2016). The relationship between political connections and the performance of companies listed on the tehran stock exchange. *The world's national scientific research conference in management, accounting, law and social science*, Shiraz. Civilica. **(In Persian)**. <https://civilica.com/doc/737379/>
- [22] Tarkom, A. (2019). *Political connectedness, firm performance and corporate risk taking: are emerging markets different?* South Dakota State University.

- [23] Faccio, M. (2006). Politically connected firms. *American economic review*, 96(1), 369–386.
- [24] Aguilera, R. V., Filatotchev, I., Gospel, H., & Jackson, G. (2008). An organizational approach to comparative corporate governance: costs, contingencies, and complementarities. *Organization science*, 19(3), 475–492. <https://doi.org/10.1287/orsc.1070.0322>
- [25] Parmar, B. L., Freeman, R. E., Harrison, J. S., Wicks, A. C., Purnell, L., & De Colle, S. (2010). Stakeholder theory: the state of the art. *Academy of management annals*, 4(1), 403–445. <https://doi.org/10.5465/19416520.2010.495581>
- [26] Sepasi, S., Kazempour, M., & Shabani Mazoei, M. (2017). Product market competition and its effect on three important criteria in decision making, agency cost, capital structure and the cost of capital. *Journal of accounting and social interests*, 7(1), 67-84. **(In Persian)**. https://jaacsi.alzahra.ac.ir/article_2714.html?lang=en
- [27] Hill, C. W. L., & Jones, T. M. (1992). Stakeholder-agency theory. *Journal of management studies*, 29(2), 131–154. <https://doi.org/10.1111/j.1467-6486.1992.tb00657.x>
- [28] Goldar, Z., Amiri, M., Qolipour, R., & Moazzami, M. (2018). Designing a conceptual framework for the involvement of stakeholders in public policy. *Audit knowledge*, 17(66), 81-105. **(In Persian)**. <https://ensani.ir/fa/article/download/373388>
- [29] Naciti, V., Cesaroni, F., & Pulejo, L. (2022). Corporate governance and sustainability: a review of the existing literature. *Journal of management and governance*, 26, 55–74. <https://doi.org/10.1007/s10997-020-09554-6%0A%0A>
- [30] Kyere, M., & Ausloos, M. (2021). Corporate governance and firms financial performance in the United Kingdom. *International journal of finance & economics*, 26(2), 1871–1885. <https://doi.org/10.1002/ijfe.1883>
- [31] Limantara, C. Y., Murhadi, W. R., & Wijaya, L. I. (2020). The effect of good corporate governance towards idiosyncratic risk. *Manajemen dan bisnis*, 19(2). <https://doi.org/10.24123/jmb.v19i2.440>
- [32] Sayed Alipour Qurani, S. S. (2019). Investigating the effect of corporate governance on the distribution of dividends in companies listed on the tehran stock exchange. *Scientific journal of modern research approaches in management and accounting*, 3(8), 1-14. **(In Persian)**. <https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/159>
- [33] Shamsai, K., & Amin Panah, C. (2017). Comparison of the impact of corporate governance on the performance of the company before the notification of the audit committee instructions in the companies admitted to the tehran stock exchange. *The first national conference of management and economy with the approach of resistance economy*. Civilica. **(In Persian)**. <https://civilica.com/doc/819564/>
- [34] Simon, H. A. (1947). *Administrative behavior: a study of decision-making processes in administrative organization*. New York: Macmillan.
- [35] Cyert, R., & March, J. (2015). Behavioral theory of the firm. In *Organizational behavior 2: essential theories of process and structure* (pp. 60–77). Routledge. DOI: 10.4324/9781315257068-17
- [36] Van Ees, H., Gabrielsson, J., & Huse, M. (2009). Toward a behavioral theory of boards and corporate governance. *Corporate governance: an international review*, 17(3), 307–319. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8683.2009.00741.x>
- [37] Divandari, A., Hashemi, M. S., & Moeinian, A. (2018). A behavioural approach to corporate governance: theories and methodologies. *Iranian journal of management sciences*, 13(51), 61-80. **(In Persian)**. https://journal.iams.ir/article_293_en.html